



نگاهی به برخی از ابعاد سیاسی، اجتماعی و امنیتی انتخابات

دکتر علیرضا رحیمی*

اشاره:

اسفندماه سال جاری انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان به طور همزمان برگزار خواهد شد. این انتخابات با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور و آشفتگی‌های موجود در منطقه، انتخاباتی سرنوشت‌ساز و بااهمیت تلقی می‌شود. نوشتار حاضر درصدد است تصویری از فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات پیش‌رو، چگونگی آرایش نیروهای سیاسی و برخی الزامات راهبردی در این خصوص را به نمایش گذارد.

مقدمه

و تنازعات پر دامنه سیاسی را خلق خواهند کرد؛ و یا حتی به گونه‌ای پارادوکسیکال از کارکرد ذاتی خود که گردش نخبگان برای تنظیم و تصحیح روند سیستم سیاسی است، خارج شده، و چنانکه در یکی دو دهه اخیر شاهد آن بوده‌ایم، به انقلاب‌های انتخاباتی منتهی خواهند شد. یکی از افتخارات نظام جمهوری اسلامی همواره این بوده است که منطبق با تعداد سال‌های حاکمیت خود، انتخاب‌های متعددی را برای دستیابی به مناصب سیاسی و اجتماعی گوناگون به انجام رسانده است. برگزاری ده‌ها انتخابات در طول عمر جمهوری اسلامی، تجربه گران‌سنگی است که باید برای هر چه بهتر شدن سازوکارهای انتخاباتی در کشور و حرکت این سازوکارها به سمت کارکرد بهینه خود، مورد استفاده قرار گیرد. با چنین رویکردی است که تجزیه و تحلیل فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات پیش‌روی مجلس شورای اسلامی و الزامات راهبردی مترتب با آن مورد اشاره قرار می‌گیرد.

انتخابات و سازوکار انتخاباتی در چارچوب بعد نرم‌افزاری امنیت ملی، مورد ملاحظه قرار می‌گیرند. نهاد انتخابات، کارکردهای امنیت‌ساز و ثبات‌آفرین خود را از طریق ایجاد مشروعیت و افزایش کارآیی نظام سیاسی به منصف ظهور می‌رساند. مشروعیت و کارآیی، خود حاصل کارکردهایی است که سازوکار انتخاباتی به واسطه نقش‌آفرینی این نهاد در تطبیق گفتمان امنیتی نخبگان و گفتمان جامعه، تطبیق با تغییرات محیطی، ایجاد سازوکاری صلح‌آمیز برای حل و فصل منازعات سیاسی، شایسته‌سالاری و نظارت مدنی بر نهادهای سیاسی و امنیتی، ایجاد می‌کند. با وجود این قابلیت نهاد انتخابات در تحقق کارکردهای امنیت‌ساز، بسته به لوازمی است که وجود نظام انتخاباتی مناسب، حرکت بر مدار قانون، ایجاد سازوکار عادلانه برای رقابت، آزادی رسانه‌ها و اجتماعات، وجود نظام حزبی منسجم و ریشه‌دار و آفرینش سازوکارهایی برای جلوگیری از مداخله بیگانگان، از جمله این لوازم هستند. در غیر این صورت نظام‌های انتخاباتی، چنانکه در بسیاری از جوامع در حال توسعه شاهد هستیم، قادر نخواهند بود قابلیت‌های خود در ایجاد ثبات و کارآیی نظام سیاسی را از حالت قوه به فعل در آورند و در مقابل عرصه‌ای از کشاکش

آرایش نیروهای سیاسی در آستانه انتخابات

در یک تقسیم‌بندی کلی نیروهای سیاسی رقیب در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی را می‌توان مطابق شکل زیر به هفت دسته عمده تقسیم کرد. (باید توجه داشت که تقسیم‌بندی ارائه شده، یک تقسیم‌بندی کلی است و هر یک از جریان‌های نام‌برده شده در طول طیف، در درون خود متکثر بوده و به گروه‌های سیاسی متعددی تقسیم می‌شوند؛ به گونه‌ای که حتی برخی گروه‌های دسته‌بندی شده در درون یک جریان، ممکن است بر سر برخی موارد با یکدیگر اختلاف داشته باشند و یا برخی گروه‌های سیاسی در جایی میان طیف‌بندی‌های ارائه



شده، قرار گیرند).

راست ← ← چپ

اصول‌گرای رادیکال اصول‌گرای سنتی اصول‌گرای معتدل جریان اعتدال اصلاح‌طلب معتدل اصلاح‌طلب سنتی اصلاح‌طلب رادیکال

در مرکز طیف بندی ارائه شده در بالا یکی از مهمترین نیروهای حاضر در عرصه انتخابات یعنی نیروهای سیاسی حامی دولت یازدهم قرار دارند. این نیروها که از آنها با عنوان جریان اعتدال نام برده شده است، برای شکل‌گیری مجلسی همسو با دولت تلاش می‌کنند. تلاش این جریان، آن است که در ائتلاف با نیروهای معتدل اصلاح‌طلب و اصولگرا، که خاطره خوشی از حمایت آنها در مسائلی مانند پرونده هسته‌ای دارد، مجلس دهم را با دولت همسو سازد تا از این طریق از موانع موجود در برابر تصویب خواسته‌ها و لایحه‌های دولت کاسته و به اجرای سیاست‌های دولت، شتاب بیشتری بدهد. چالش عمده جریان اعتدال در انتخابات، فقدان یک تشکل سازمان‌یافته دارای پایگاه اجتماعی از یکسو و تردید در خصوص اقبال انتخاب‌کنندگان از سوی دیگر است؛ از همین روست که سیاست همکاری با نیروهای معتدل دو جریان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب از سوی این جریان به صورت جدی پیگیری می‌شود. از طریق غلبه حداکثری نیروهای معتدل در مجلس آینده است که دولت می‌تواند به وجود مجلسی همسو با خود امیدوار باشد.

در میان احزاب و تشکلهای سیاسی، حزب کارگزاران سازندگی با توجه به نزدیکی دیدگاه‌های خود با دولت و حضور برخی از چهره‌های این حزب در کابینه، نقطه قابل اتکایی برای دولت در انتخابات پیش‌روست. کارگزاران سازندگی با عنوان راست‌مدرن در صحنه سیاسی ایران شناخته می‌شوند. تحت این عنوان آنها را می‌توان در میانه اصول‌گرایان معتدل و جریان اعتدال دسته‌بندی کرد، اما خصلت تکنوکراتیک آنها، جریان سیال سیاست، شرایط سیاسی و ویژگی‌های عرصه سیاست در ایران تا حدودی منجر به چرخش سیاسی این حزب به سمت اصلاح‌طلبی شده است؛ گرچه این چرخش لزوماً این حزب را از جایگاه «راست‌مدرن» خارج نمی‌کند. این حزب دارای دیدگاه‌های نزدیکی در تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دولت است و یکی از مهمترین حامیان سازمان‌یافته دولت در انتخابات پیش‌رو خواهد بود.

راهبرد گروه‌های اصلاح‌طلب، با توجه به موفقیتی که در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم در برابر رقبای اصول‌گرای خود پیدا کردند، حضوری یکپارچه و واحد در انتخابات است. شوراهای هماهنگی و

سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، وظیفه ایجاد اتحاد در میان اصلاح‌طلبان و حضور واحد و یکپارچه آنها در انتخابات را بر عهده دارند. البته اصلاح‌طلبان چه در میان طیف معتدل خود و چه در میان طیف سنتی به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند. دسته اول با توجه به سابقه انتخابات

ریاست‌جمهوری در سال ۹۲ و همچنین با توجه به پیشینه ناکامی در انتخابات سه دوره گذشته مجلس، خواستار ائتلاف با دولت (و حتی برخی شخصیت‌ها و گروه‌های معتدل اصول‌گرا) و ارائه لیست مشترک در انتخابات هستند تا مجلس را از دست رقبا، خارج سازند، در مقابل دسته دوم، به حفظ تمایز و حضور مستقل در انتخابات، گرایش دارد. با وجود این تصمیم‌گیری نهایی، به نتایج کار نهادهای نظارتی بستگی دارد، به این معنی که در صورت عدم تأیید صلاحیت نیروهای اصلاح‌طلب توسط نهادهای نظارتی، این نیروها به سمت ائتلاف و حمایت بیشتر از جریان اعتدال و حتی جریان اصول‌گرای معتدل، میل خواهند کرد. در مجموع به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان چه در صورت ارائه لیست مشترک با جریان‌های غیراصلاح‌طلب و چه در صورت ارائه لیست جداگانه، در صددند شیوه راهبردی خود در انتخابات مبتنی بر سیاست واحد را در پیش گرفته و از رقابت با یکدیگر دوری جویند؛ با وجود این، برخی اختلاف‌نظرها و حرکت‌های مستقل نیز در میان آنها به چشم می‌خورد.

از مهمترین نهادها و تشکلهای اصلاح‌طلب می‌توان به مجمع روحانیون مبارز، خانه کارگر و مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در میان اصلاح‌طلبان سنتی؛ حزب مردم‌سالاری، حزب اراده ملت ایران، حزب مردمی اصلاحات، حزب ندای ایرانیان در میان اصلاح‌طلبان معتدل و برخی اعضای سابق احزاب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به عنوان اصلاح‌طلبان

اختیار داشتند، از موثرترین نیروهای این جریان محسوب می‌شوند. همچنین در بین اصول‌گرایان معتدل نباید از نیروهای سیاسی نزدیک به شهردار تهران غافل بود.

اصول‌گرایان سنتی، اصلاح‌طلبان را رقیب اصلی خود در انتخابات تلقی می‌کنند و از این زاویه احساس نزدیکی بیشتری با اصول‌گرایان رادیکال دارند. این جریان با در نظر گرفتن شکست ناشی از عدم وحدت اصول‌گرایان در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، وحدت میان اصول‌گرایان و ارائه لیست واحد از سوی آنها را ضروری تلقی می‌کنند. جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، حزب مؤتلفه اسلامی، جبهه پیروان خط امام و رهبری از جمله تشکلهای مؤثر این جریان هستند که برای تشکیل مجلسی اصول‌گرا تلاش می‌کنند و برای دستیابی به این هدف، به طور جدی اتحاد میان نیروهای اصول‌گرا را پیگیری می‌نمایند.

آشکار است که اصول‌گرایان رادیکال، سرسخت‌ترین مخالفان دولت کنونی هستند. نیروهای حامی این جریان در تمامی زمینه‌های سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با دولت زاویه حداکثری دارند. حضور اکثریتی و یا اقلیتی موثر از آنها در مجلس همان چیزی است که دولت، جریان‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرایان معتدل خواستار آن نیستند. با وجود این، جریان اصول‌گرای رادیکال از پایگاه اجتماعی ویژه خود برخوردار است و به یقین در مجلس آتی نیز نقش مؤثری بازی خواهد کرد. جبهه پایداری و تشکلهای حامی دولت دهم در این جریان دسته‌بندی می‌شوند.

در میانه اصول‌گرایان سنتی و رادیکال باید به بخش دیگری از اصول‌گرایان اشاره کرد که متشکل از گروه‌هایی چون «جمعیت ره‌پویان انقلاب اسلامی» و «جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی» می‌شوند. این گروه‌ها نیز به تناسب جایگاه خود، ضمن تلاش برای حضور حداکثری در مجلس، برای تشکیل مجلسی اصول‌گرا تلاش می‌کنند؛ با این تفاوت که احساس نزدیکی بیشتری با جریان رادیکال اصول‌گرا (به نسبت سایر اصول‌گرایان) دارند و در ضمن سازگاری چندانی با برخی نیروهای اصول‌گرای معتدل نیز ندارند. مجلس مورد نظر آنان مجلسی است که در عین اصول‌گرا بودن، چرخش بیشتری به راست داشته باشد. تفاوت دیدگاه‌های آنان با اصول‌گرایان سنتی و معتدل (مانند آنچه که در جریان انتخاب ریاست مجلس نهم اتفاق افتاد)، می‌تواند عاملی در جهت جلوگیری از اتحاد مورد نظر جریان سنتی باشد. اگرچه چشم‌انداز اختلاف در میان اصول‌گرایان سنتی و معتدل و میان این هر دو جریان با اصول‌گرایان رادیکال نیز قابل مشاهده است.

رادیکال، اشاره کرد. در این بین نهادهایی مانند بنیاد امید را می‌توان در میانه طیف اصلاح‌طلبان سنتی و اصلاح‌طلبان معتدل و حزب اعتماد ملی را در میانه اصلاح‌طلبان سنتی و اصلاح‌طلبان رادیکال، دسته‌بندی کرد. هیچ‌کدام از این گروه‌های یادشده در صورت انتخاب، چالش عمده‌ای در برابر دولت نخواهند بود. در صورت ورود به مجلس دهم، عمده جهت‌گیری آنها در برابر دولت در شکل خواسته‌های ایجابی خواهد بود (مانند فشار به دولت برای تحقق هر چه بیشتر آزادی‌های مصرح در قانون اساسی) و نه سلبی. در میان نیروهای اصلاح‌طلب، جریان اصلاح‌طلب رادیکال، زاویه بیشتری با دولت به ویژه در زمینه سیاست داخلی (والبته در مواردی از سیاست خارجی مانند مسئله سوریه) دارد و حضور نیروهای منتسب به این جریان در مجلس می‌تواند مشکلاتی برای سیاست اعتدالی و محافظه‌کارانه دولت یازدهم فراهم آورد.

اصول‌گرایان معتدل، تأثیرگذارترین نیروی حامی دولت در جریان مسائل مربوط به پرونده هسته‌ای در درون مجلس نهم بوده‌اند. از این رو چه جریان اعتدال و چه اصلاح‌طلبان معتدل بی‌تمایل به همکاری با آنها در جریان انتخابات پیش‌رو نخواهند بود؛ به‌ویژه که اصلاح‌طلبان سابقه ناکامی در سه دوره پیشین مجلس را پیش‌روی خود دارند و جریان اعتدال نیز از فقدان نیروهای سازمان‌یافته سیاسی و پایگاه اجتماعی لازم، نگران است. در این شرایط اگر آنها (اصلاح‌طلبان و جریان اعتدال) توانایی لازم برای در دست گرفتن کنترل مجلس را نداشته باشند، بهترین گزینه آنها موفقیت هر چه بیشتر نیروهای معتدل اصول‌گرا و حذف نیروهای رادیکال خواهد بود. «جبهه ایستادگی» و «فراکسیون ره‌روان ولایت» که در مجلس نهم تعداد قابل توجهی از کرسی‌ها را در

فضای سیاسی داخلی

با توجه به فعالیت‌های موجود در میان اصول‌گرایان سنتی و معتدل از یک سو و احزابی چون کارگزاران و برخی اصلاح‌طلبان معتدل از سوی دیگر برای دعوت و قرار دادن شخصیت‌های سیاسی معتدل در صدر فهرست‌های انتخاباتی، به نظر می‌رسد نوعی هم‌گرایی در میان بخش‌های مؤثری از جناح‌های سیاسی برای انتخاب نیروهای معتدل وجود دارد. البته در این خصوص باید به دو نکته توجه داشت؛ اول اینکه اقبال به نیروهای معتدل با تمایل بیشتری به سمت چپ همراه است. گرایش بیشتر دولت به جناح چپ با توجه به سابقه انتخابات ریاست جمهوری گذشته، حضور نیروهای منصوب به جناح چپ در کابینه و مقام‌های اجرایی، نزدیکی راست‌مدرن به اصلاح‌طلبان، شرکت فعال اصلاح‌طلبان در انتخابات این دوره (برخلاف دوره قبل)، هم‌گرایی بیشتر میان اصلاح‌طلبان به نسبت جناح مقابل و حضور برخی شخصیت‌های کارزماتیک منتسب به اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس خبرگان، از جمله دلایل این امر هستند. اگرچه این امر به معنی آن نیست که مجلس آتی لزوماً مجلسی اصلاح‌طلب خواهد بود و اصول‌گرایان، اکثریت فعلی خود در مجلس نهم را از دست خواهند داد، بلکه این تحلیل را باید از زاویه گرایش نسبی فضای سیاسی داخلی ارزیابی کرد. ضمن آنکه در ارزیابی‌های مربوط به انتخابات باید نتیجه کار نهاد‌های نظارتی را نیز در نظر گرفت.

نکته دوم آن است که دعوت از شخصیت‌های نامدار اصول‌گرا که سابقه ریاست مجلس را در کارنامه خود دارند، برای قرار گرفتن در صدر فهرست‌های انتخاباتی در میان اصول‌گراها، در صورت اجابت، می‌تواند به اختلاف میان نیروهای معتدل اصول‌گرا دامن زده و وحدت رویه آنها را با چالش روبه‌رو کند. اختلافی که در صورت ورود این شخصیت‌ها به مجلس در تلاش‌های انجام شده برای در اختیار گرفتن کرسی ریاست مجلس نیز تداوم خواهد یافت.

موضوع مهم دیگری که در ارتباط با فضای سیاسی داخل کشور در آستانه انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی باید به آن اشاره کرد، موضوع تعرض به نیروهای سیاسی و اخلال در جلسات سخنرانی‌های انتخاباتی است که در هفته‌های اخیر در چندین شهر اتفاق افتاده است. با وجود اینکه حوادث پیش آمده در این خصوص مختص به جلسات و فعالیت‌های انتخاباتی یک جناح خاص است، اما شخصیت‌های هر دو جناح رقیب در تحلیل‌های خود در خصوص این حوادث، جناح مقابل را به سازماندهی تجمعات اخلال‌گر متهم می‌کنند. سخنرانانی که جلسات آنها لغو و یا برهم خورده شده و جناح حامی آنها، اینگونه حرکت‌ها را تلاش برای امنیتی کردن فضا و تلاش برای جلوگیری از شنیده شدن

دیدگاه‌هایشان توسط انتخاب‌کنندگان تعبیر می‌کنند. این در حالی است که جناح مقابل، این حرکت‌ها را سازماندهی شده توسط خود جریان‌های مورد تعرض قرار گرفته، قلمداد می‌کند، با این استدلال که جناح مذکور، تلاش دارد از طریق مظلوم‌نمایی و ایجاد فضای احساسی به گردآوری آرا بپردازد و اجازه تعقل و تأمل لازم را به جامعه ندهد.

با توجه به حوادثی از نوع اخلال‌گری‌های موجود در مراسم سیاسی، نقش و اهمیت نهاد‌های امنیتی در ایجاد فضای مناسب برای انتخابات بیش از پیش نمایان می‌شود. وجود فضای آرام که در پرتو آن کاندیداهای انتخاباتی، قادر باشند برنامه‌ها و دیدگاه‌های خود را به انتخاب‌کنندگان عرضه کنند و انتخاب‌کنندگان نیز بتوانند فرصت لازم برای ارزیابی کاندیداهای داشته باشند، لازمه سازوکار انتخاباتی است. از این طریق امکان انتخاب شایسته‌ترین افراد افزایش یافته و قوه مقننه به سمت موقعیت بهینه خود و افزایش کارآیی میل می‌کند. برخورد متناسب نهاد‌های امنیتی و قضایی با کسانی که قصد تشویش فضای سیاسی را دارند، با کاستن از التهاب سیاسی، ممانعت از اتهام‌زنی گروه‌های سیاسی به یکدیگر و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، در ایجاد فضای مناسب، نقش به‌سزایی دارد.

با وجود این، هیچگونه برداشتی از فضای سیاسی منتهی به انتخابات بدون توجه به وضعیت انتخاب‌کنندگان کامل نیست. در یک چشم‌انداز کلی، وضعیت جامعه را باید با توجه به مسئله تحریم‌ها، اوضاع اقتصادی و وضعیت منطقه مورد ارزیابی قرار داد. به نظر می‌رسد روند رو به پیشرفت حل و فصل پرونده هسته‌ای و برداشته شدن تحریم‌ها مورد اقبال عمومی بوده است و از این جهت بخت جریان اعتدال و نیروهای سیاسی نزدیک به آن در انتخابات آتی افزایش می‌یابد؛ اگرچه فشارهای تورمی، موضوع



الزامات راهبردی برگزاری انتخابات

الزامات راهبردی انتخابات را می‌توان در چند سطح مورد بحث قرار داد؛ فقدان نظام حزبی منسجم، عدالت تبلیغاتی و تخطی‌های به وقوع پیوسته و احتمالی از قانون، از جمله این سطوح هستند.

فقدان نظام حزبی منسجم یکی از چالش‌هایی است که سازوکار انتخاباتی در ایران با آن روبروست. هنگامی که وضعیت تشکلیها و جریان‌های سیاسی را در ایران مورد ملاحظه قرار می‌دهیم، آنچه بیش از هر چیزی به چشم می‌خورد، سازمان‌یافتن این تشکلیها به واسطه عمل سیاسی است. فقدان پشتوانه تئوریک مشخص، مدون و دقیق از جمله ضعف‌های جریان‌ها و تشکلیهای سیاسی در ایران است. اگر از احزاب و تشکلیهای خلق‌الساعه‌ای که در آستانه انتخابات شکل می‌گیرند، گذر کنیم، حتی احزاب با سابقه سیاسی در ایران از فقدان پشتوانه تئوریک مدون رنج می‌برند. اگرچه بر اساس باورها و مواضع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تشکلیهای سیاسی در ایران، می‌توان به جریان‌شناسی آنها پرداخت و مرزهای میان آنها را مشخص کرد، اما نمی‌توان مواضع مشخص آنها را در زمینه‌های مختلف شناسایی و مورد پیش‌بینی قرار داد. این امر نوعی سرگشتگی سیاسی را در عرصه انتخاباتی حاکم می‌کند و با گسترش این سرگشتگی به انتخاب‌کنندگان، مانع تصمیم‌گیری مناسب آنها می‌شود تا آنجا که حتی در برخی تحلیل‌های عامیانه، یگانگی تمامی جناح‌ها و جریان‌ها را جانشین تمایزات سیاسی می‌کند.

وجود سازوکار مبتنی بر نظام حزبی منسجم، سیاست‌ورزی مسئولانه و متعهدانه را جانشین حب و بغض‌های احتمالی سرآمدان سیاسی می‌نماید. فضای سیاسی مبهم، یکی از شاخصه‌های کشورهای کمتر توسعه‌یافته است که از فقدان نظام حزبی کارآمد سرچشمه می‌گیرد. در چنین فضای پرابهامی مختصات روانشناسانه فردی، به پارامتری تعیین‌کننده تبدیل می‌شود و فضای سیاسی را متأثر از خود می‌سازد. بده‌بستان‌های پشت‌پرده که عاملی در جهت کارکرد نامناسب نظام انتخاباتی هستند، از پیامدهای دیگر این روند است. نظام حزبی جدا از کارکردهای سیاسی و امنیت‌ساز خود، در کاهش نقیصه‌های ناشی از فردمحوری و عدم شفافیت فضای سیاسی نقش بارزی ایفا کرده و هنر سیاست را قاعده‌مند خواهد ساخت. در این شرایط، دیگر فرد و قرار گرفتن وی در صدر فهرست انتخاباتی ملاک تشخیص نیست، بلکه شاخصه‌های ممتاز و متمایز احزاب، تعیین‌کننده خواهد بود و قابلیت مانورهای اعجاب‌انگیز و گیج‌کننده فردی نیز از میان می‌رود.

عدالت تبلیغاتی از دیگر الزامات راهبردی انتخابات است که آزادی رسانه‌ها و فعالیت‌های انتخاباتی و عدالت در توزیع کمک‌های دولتی، از

یارانه‌ها، وضعیت بازار ارز و شیوه‌های تبلیغاتی جناح رقیب در استفاده از نارسایی‌های اقتصادی می‌تواند این روند را با آسیب روبه‌رو کند. این در حالی است که وضعیت نابسامان و ناامن منطقه این حس را به جامعه القاء کرده است که کشور نیاز به شرایط باثبات و آرام دارد.

به طور قطع حضور شخصیت‌های کاریزماتیک و با سابقه و عدم انفعال جریان‌های سیاسی می‌تواند در حضور پرشور مردم در انتخابات تأثیر داشته باشد؛ اما مهم‌تر از شخصیت‌ها و جریان‌ها، احساس نزدیکی با گفتمان نخبگان سیاسی است که حضور گسترده اقشار و طبقات اجتماعی را در انتخابات رقم خواهد زد. پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان و جریان‌های نزدیک به دولت را طبقه متوسط شهری تشکیل می‌دهد. این طبقه اگرچه از شرایط اقتصادی راضی به نظر نمی‌رسد، اما اگر نیروهای سیاسی اندام‌سوار خود را فارغ از ممنوعیت‌های قانونی در انتخابات، حاضر ببیند به مانند انتخابات ریاست جمهوری گذشته حضور پررنگی را از خود نشان خواهد داد. وضعیت طبقه کارگر صنعتی، چه آن بخش از این طبقه که توسط خانه کارگر و تشکلیهای مرتبط با آن بسیج خواهند شد و چه بخش‌های کارگری دیگری که به صورت تاریخی با مواضع اقتصادی جناح اصول‌گرا تعارض دارند نیز، بدین گونه است. اگرچه نسل‌های پرسابقه‌تر طبقه متوسط سنتی، به جناح اصول‌گرا تمایل دارد، اما نسل‌های جوان‌تر این طبقه با مواضع طبقه متوسط جدید احساس نزدیکی بیشتری می‌کند. از این رو تکثر سیاسی کاندیداها، اقبال آنها را نیز به حضور در انتخابات در پی خواهد داشت. در این روند برخی اقشار روستایی و اقشار کم‌توان حاشیه شهرها همچنان پایگاه اجتماعی اصول‌گرایان رادیکال باقی خواهند ماند.



نظام انتخاباتی به سمت کارکردهای بهینه خود و ایجاد ثبات سیاسی را فراهم می‌آورد. در بستر وجود نظام‌های حزبی است که از تأثیر مختصات روانشناسانه فردی در عرصه انتخابات کاسته شده و عرصه سیاسی قاعده‌مند و شفاف خواهد شد. در کنار کاستی‌های ساختاری، برخی ناموزونی‌های سیاسی نیز به چشم می‌خورد که تحركات غیرقانونی اعتراضی نسبت به فعالیت‌های انتخاباتی از جمله آنهاست. مواجعه قاطع نهادهای امنیتی و قضایی با این تحركات، نمایانگر امنیت و آرامش فضای سیاسی خواهد بود و به تمایل عمومی برای حضور پرشورتر در انتخابات، که خود مؤلفه‌ای امنیت‌ساز است، کمک می‌کند.

رصد عرصه سیاسی نشان می‌دهد که با توجه به حضور شخصیت‌های کاریزما تیک و عزمی که در تمامی جریان‌های سیاسی برای حضور در انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان وجود دارد، انتخابات آینده، پرشور خواهد بود. اگرچه تجربه‌های انتخاباتی گذشته، نشان می‌دهد که مهم‌تر از شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی، احساس نزدیکی جامعه با گفتمان نخبگان است که حضور گسترده اقشار و طبقات اجتماعی را در انتخابات رقم خواهد زد. فضای سیاسی داخلی از نوعی هم‌گرایی در میان بخش‌های مؤثری از جناح‌های سیاسی برای انتخاب نیروهای معتدل حکایت دارد. در این میان هم‌گرایی بیشتری میان نیروهای اصلاح‌طلب برای وحدت رویه نسبت به جریان‌های اصول‌گرا مشاهده می‌شود. گرچه این شواهد را نباید به معنای اصول‌گرا نبودن مجلس آتی دانست، اما نشانه‌ها حکایت از گردش نسبی به سمت میانه‌روی این مجلس دارد.

جمله آنها هستند. در این عرصه نگرانی جریان‌های مرتبط با هر دو جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب قابل ملاحظه است. سیاست‌ورزان اصلاح‌طلب از جهت‌گیری‌های جناحی برخی رسانه‌های منحصر به فرد که دارای برد تبلیغاتی سراسری هستند، نگرانند و اصول‌گرایان از احتمال اعمال نفوذ مقام‌های اجرایی به نفع جریان‌های خاص ابراز نگرانی می‌کنند. سازوکار انتخاباتی کارآمد، بدون وجود شهروند صاحب دانش و اطلاع کافی، که رسانه‌های آزاد و جریان آزاد اطلاعات از لوازم آن است، امکان‌پذیر نیست. اگر شهروندان فاقد اطلاعات و دانش لازم باشند، وظیفه انتخاب‌کنندگی خود را به نحو شایسته ایفا نمی‌کنند و آنگاه نهادهای انتخاباتی برآمده از انتخاب آنها نیز کارکردهای خود را به نحو شایسته بروز نخواهند داد. جریان صحیح و عادلانه اطلاعات نه تنها می‌تواند این نقیصه را از میان بردارد، بلکه فرایندی برای نظارت جامعه بر انحرافات احتمالی مجریان سیاسی خواهد بود. از این زاویه است که جریان آزاد و عادلانه تبلیغات رسانه‌ای، منافع تمامی جریان‌های سیاسی را محقق می‌گرداند.

وجود برخی رفتارهای غیرقانونی مانند برهم‌زدن جلسات سخنرانی و فعالیت‌های انتخاباتی از دیگر مخاطراتی است که فضای انتخاباتی کنونی با آن مواجه است. پیامد این گونه رفتارها هر سر منشأیی که داشته باشند، القای جو ناامنی و غیرعادلانه به جامعه است که می‌تواند در کاهش اقبال عمومی به انتخابات، مؤثر و از این رو متضمن تهدیدهای امنیتی باشد. اینگونه رفتارها همچنین می‌توانند دستاویزی برای رسانه‌ها و جریان‌های بیگانه و معاند باشند تا از این طریق به القای ادعاهای خود به جامعه بپردازند.

نتیجه‌گیری

ایجاد مشروعیت و افزایش کارایی، دو کارکرد با اهمیت امنیت‌ساز و ثبات‌آفرین ساز و کار انتخاباتی است که البته برای تحقق خود، نیازمند لوازمی چون وجود نظام انتخاباتی مناسب، حرکت بر مدار قانون، ایجاد سازوکار عادلانه برای رقابت، آزادی رسانه‌ها و اجتماعات، وجود نظام حزبی و آفرینش سازوکارهایی برای جلوگیری از مداخله بیگانگان است. تجربه برگزاری ده‌ها انتخابات عمومی، تجربه گرانقدری است که نظام جمهوری اسلامی برای هرچه بهتر ساختن سازوکارهای انتخاباتی در توشه خود دارد. بررسی فضای داخلی نشان می‌دهد که برخی از کاستی‌ها در سازوکار انتخاباتی موجود همچنان پابرجا هستند که یکی از مهم‌ترین آنها فقدان نظام حزبی منسجم و ریشه‌دار است. نظام حزبی با افزایش آگاهی سیاسی جامعه، جامعه‌پذیر ساختن افراد، یکپارچه‌سازی اجتماعی از طریق ایجاد روابط متقاطع، تربیت نخبگان سیاسی، افزایش ضریب صحت تصمیم‌های سیاسی، قابلیت بسیج عمومی و در نهایت ایجاد مشروعیت، اسباب حرکت

